

رباعیات خیام به زبان لهستانی

علیرضا دولتشاهی

در میان نامداران فرهنگ کلاسیک ایران، خیام چهره‌ای بحث‌برانگیز است. گروهی بر سر آن هستند تا رباعیاتش را دون شخصیتی که برای وی در ذهن دارند قرار دهند و دامن او را از تهمت شاعری پاک کنند، آن هم شاعری که به باور آنان دهری مذهب است. این تمایل تا جایی پیش رفته که این گروه به وجود دو شخصیت قایل شدند: خیام و خیامی. خیام شاید یگانه نامدار فرهنگ کلاسیک ما باشد که دستی پر در ادب دارد و دستی پُرتر در علم. می‌دانیم نخستین بار عمادالدین کاتب اصفهانی (۵۹۷-۵۱۹) است که در اثر ده جلدی خود به زبان عربی «خریده القصر و جریده العصر»، تالیف ۵۷۲ قمری سخن از شاعری خیام آورده است. این خود نیم سده پیشتر از مرصاد البعاد نجم‌الدین رازی (۵۷۳-۶۵۴) است. اما همین چهره بحث‌برانگیز در جهان خارج از مرزهای فرهنگی ایران، بدل به یکی از نمادها افتخار فرهنگ ایرانی شده است. شاعر و دانشمندی متفکر که نامداریش مرزهای جغرافیایی را در هم نوردیده و تا اقصای جهان رفته است.

می‌دانیم که نخستین اروپایی که به اشعار خیام بذل توجه نمود و سروده‌ای از او را به زبان لاتینی ترجمه نمود توماس هاید بود. اما آنچه در اروپا خیام را در کانون توجه قرار داد بی‌شک هم‌زمانی با پیدایش و رشد جنبش شرق‌شناسی بود. جنبشی که شاید بهتر باشد با عنوان شرق‌گرایی از آن یاد کرد. جنبشی که بخصوص در فرانسه بالندگی ویژه‌ای یافت. در امتداد این جنبش بود که شرق‌شناس نامدار آلمانی، هامرپورگشتال چند رباعی از خیام را در سال ۱۸۱۸ میلادی به زبان آلمانی ترجمه کرد. در حدود سه دهه بعدتر بود که سر گور اوزلی، نخستین سفیر پادشاهی^۱ بریتانیا در ایران، برگردان هامرپورگشتال از رباعیات خیام را به زبان انگلیسی ترجمه کرد. اما می‌دانیم که نامداری خیام در جهان امروز، وامدار ترجمه مفهومی سروده‌های او توسط فیتزجرالد بریتانیایی است. ترجمه‌هایی که طی سه دهه، از سال ۱۸۵۹ الی ۱۸۸۹ میلادی، از هفتاد و پنج به صد و ده رباعی افزایش یافت. اشعاری که از ۱۸۷۸ میلادی با باز نشر چاپ سوم ترجمه انگلیسی جرالد در آمریکا، در قاره جدید نیز نامداری یافت.

^۱ - Thomas hyde(1636-1703)

^۲ - Joseph von Hammer-Purgstal(1774-1856)

^۳ - Sir Gore Ouseley (1770-1844)

^۴ - Edward FitzGerald(1809-1883)

می‌دانیم که خیام نخست بار در اروپای غربی نامداری یافت و سپس در چهار گوشه ربع مسکون به شهرت رسید.

قدیمی‌ترین ترجمه روسی شناخته شده از رباعیات خیام، ترجمه‌ای است که در سال ۱۸۹۱ میلادی بوسیله واسیلی

ولپچکو، شاعر و ملی‌گرای روس^۵ و از رهبران سپاه صد سیاه، انجام شد. در حدود دو دهه بعدتر، در سال ۱۹۱۴، روایت

فیتزجرالد از رباعیات خیام نیز توسط اوسپ رومر^۶، بردار بزرگ‌تر یوری رومر^۷، فیزیکدان روس که در عصره مکانیک

کوانتوم صاحب نظریه است، به زبان روسی ترجمه شد. آن گونه که امروز می‌دانیم در سال ۱۹۱۰ میلادی ترجمه ژاپنی

صد رباعی از روایت فیتزجرالد از رباعیات خیام به همت دکتر اچ. کاکیشی^۸ در ژاپن نیز منتشر شده است. شاید اگر به

کتاب‌شناسی رباعیات خیام که توسط آمبروس گئورگ پوتر^۹ در ۳۲۱ صفحه در سال ۱۹۲۹ منتشر شده، نگاه کنیم،

بتوان درک بهتری از نامداری خیام در جهان، در حدود یک سده پیش بدست آورد. این کتاب‌شناسی در چهار فصل:

الف) ترجمه‌های فیتزجرالد (ص ۱۲۹-۱)

ب) ترجمه به زبان‌های دیگر- ترجمه فیتزجرالد ۱۱۳ بار به ۲۳ زبان ترجمه شده و ترجمه از روی متن فارسی ۲۵ بار به

۱۱ زبان ترجمه شده است (ص ۱۷۶-۱۳۳)^{۱۰}

پ) درباره رباعیات (ص ۳۰۰-۱۷۹) ت) نسخه‌های خطی و چاپی فارسی رباعیات (ص ۳۱۴-۳۰۳).

شاید تنها خدا بداند که اگر امروز کتاب‌شناسی نوین جهانی که در بر دارنده تمام وجوه شخصیتی خیام باشد، منتشر شود،

چند صفحه را شامل خواهد بود.

تعداد رباعیات خیام نیز یکی از اختلافاتی است که در میان شرق‌شناسان و خیام‌پژوهان وجود دارد. این اختلاف برآمده

از روش تصحیح رباعیات هر خیام‌شناس است. می‌دانیم کهن‌ترین نسخه شناخته شده از رباعیات خیام، نسخه‌ای با

تاریخ کتابت ۸۶۵ قمری است که شامل ۱۵۸ رباعی است. این نسخه امروزه در کتابخانه معتبر بادلیان^{۱۱} آکسفورد

نگهداری می‌شود. شاید پُر تعدادترین مجموعه رباعی منصوب به خیام، نسخه موجود در کتابخانه دانشگاه کمبریج است

^۵ Vasily Velichko(1860-1904)

^۶ - گروه شبه نظامی با گرایشات ضد یهودی - ضد خارجی و طرفدار رژیم سیاسی رومانف‌ها در روسیه

^۷ Osip Rumer(1883-1954)

^۸ Yuri Rumer(1901-1985)

^۹ H.Kakise

^{۱۰} Ambrose George Potter

^{۱۱} Potter, Ambrose George. A bibliography of the Rubaiyat of Omar Khayyam: To gether with Kinderd Matter in Prose & Verse. Landon: INGPEN & GRANT. 1929

^{۱۲} - این گذشته از متن‌های دو زبان است.

^{۱۳} Bodleian

با ۸۰۱ رباعی . در میان خیام‌پژوهان غیر ایرانی ژوکوفسکی ، شرق‌شناس روس بیشترین تعداد رباعی را از آن خیام دانسته است : ۴۶۴ رباعی. شرق شناس آلمانی، فردریش روزن ، کمترین تعداد را: ۲۳ رباعی. در میان خیام‌پژوهان ایرانی نیز بیشترین تعداد رباعی را فروغی گزارش کرده است: ۱۷۸ رباعی. کمترین تعداد را علی دشتی: ۸۱ رباعی. اما به موضوع این یادداشت برگردیم. موضوع ما ترجمه‌های خیام به زبان لهستانی است. نزدیک به چهار دهه پس از انتشار نخستین ترجمه فیتزجرالد به زبان انگلیسی، این اشعار به زبان لهستانی نیز ترجمه شد. نخستین کوشش‌ها برای ترجمه رباعیات خیام به زبان لهستانی به سال‌های آغازین سده بیستم بازمی‌گردد. بطور دقیق سال ۱۹۰۲ را برای این کوشش گزارش کرده‌اند. سال‌های آغازین سده بیستم، در حقیقت سال‌هایی است که ادب لهستانی با فرم‌ها و غالب-های شعری شرق دور نیز آشنا می‌شود. بویژه با هایکو. پیشینه آشنایی لهستانیان با ادب خاور دور، به ویژه با ادب چین و ژاپن به سال‌های آغازین سده پیشین میلادی بازمی‌گردد. یولیان آدلف شوینتسکی ، شاعر و مترجم لهستانی^۱ و از جانبازان قیام ضد روسی و نافرجام ۱۸۶۳ لهستانیان، موسوم به قیام ژانویه ، در سال ۱۹۰۱ کتابی با^۲عنوان تاریخ ادبیات چین و ژاپن را در ورشو منتشر می‌کند. این نخستین آشنایی لهستانیان با ادب خاور دور است. همین فرد در حدود دو ده پیشتر در خصوص ادب جاهلی عرب اثری را منتشر کرده بود با عنوان «درباره شعر عربی پیش از [حضرت] محمد» . می‌دانیم که نخستین کوشش‌ها برای ترجمه رباعیات خیام به زبان لهستانی نیز به سال‌های آغازین سده بیستم بازمی‌گردد. بطور دقیق سال ۱۹۰۲ را برای این کوشش گزارش کرده‌اند.

در سال ۱۹۰۸ نخستین دفتر مستقل از ترجمه شعر ژاپنی به دست آنتونی لانگ به عنوان شعر مدرن ژاپنی در ورشو منتشر شد. و باز می‌دانیم که لانگ نیز، یکی از مترجمان رباعیات خیام به زبان لهستانی است.

نخستین ترجمه‌های لهستانی رباعیات خیام، برگردانی از ترجمه انگلیسی نبود. مترجم لهستانی خیام، آندژی

گاورنيسكى ، زبان شناس و زبان‌دان^۳ استثنایی لهستانی است که به بیش از شصت زبان دانا بود. او دکترای خود را از

^۱ Krzyżowski, Janusz. Omar Khayyam. Eubanaru, warszaw, 2011. p.12

^۲ Valentin Alekseevich Zhukovski (1858-1918)

^۳ Friedrich Rosen (1856-1935)

^۴ Julian Adolf Świącicki (1850-1932)

^۵ Powstanie Styczniowe (1863-1864)

^۶ Historia literatury chińskiej i japońskiej

^۷ O poetach i poezji arabskiej przed Mahometem (1878)

^۸ Antoni Lange (1861-1920)

^۹ Sintaisi-sho, poeci nowo-japońscy (1908)

^{۱۰} Andrzej Gawroński (1885-1927)

دانشگاه لاپزیک دریافت کرده بود. مولف نخستین کتاب آموزشی سنسکریت به زبان لهستانی است.^۴ او بنیان‌گذار

فرهنگستان علوم و هنر در لهستان (در سال ۱۹۲۱) است.^۵ همچنین او از بنیان‌گذاران انجمن شرق شناسی

لهستان (۱۹۲۲) و نخستین رئیس آن است.

پس از ایجاد جمهوری دوم لهستان در سال ۱۹۱۸^۶ و استقرار کامل آن در سال ۱۹۲۰، مترجمانی دیگر نیز به ترجمه

ادبیات شرق اسلامی روی آوردند. مترجمانی که اکثراً شرق شناس بودند. این مترجمان عبارتند از: آنتونی لانگ ،

کنراد لیبیتسکی ، آندژی گارونیسکی^۷ و البته تادئوش یان کوواکفسکی . - ترجمه گارونیسکی در سال‌های پس از

جنگ، در سال ۱۹۶۹ و ۱۹۷۱ با مقدمه‌ای از ایران‌شناس نامدار لهستانی فرانچیک ماخالسکی باز نشر شد : اما توجه^۲

به خیام و اندیشه‌های او پس از پایان جنگ دوم جهانی و در دوران جمهوری مردمی لهستان یعنی دورانی که نظام

سیاسی سوسیالیستی بر لهستان حاکم بود نیز ادامه یافت. در این دوران نیز شاهد برگردان‌هایی از رباعیات خیام به زبان

لهستانی هستیم. نکته جالب توجه این است که چه لهستانیانی که تحت سلطه نظام سوسیالیستی زندگی می‌کردند و

چه مخالفان سیاسی آن نظام که در خارج از لهستان و در جهان آزاد به سر می‌بردند در توجه به سروده‌های خیام هم‌دل

بودند. می‌توان به دو ترجمه در این دوران اشاره کرده. ترجمه‌هایی از: کازیمیژ آندژی یاورسکی - با مجموعه‌ای از^۳

رباعی با عنوان ترجمه اشعار رومانتیک ، و دیگری ادموند راجیئسکی . راجیئسکی در حقیقت رئیس جمهوری دولت^۳

در تبعید لهستان که در لندن مستقر بود. این دولت پس از پایان دوران سوسیالیسم در لهستان و به قدرت رسیدن دولتی

برآمده از جنبش همبستگی خود را منحل کرد و پرچم خود را به دست لخ والسا سپرد.

در دوران پس از سقوط سوسیالیسم در لهستان، که گاه از آن با عنوان جمهوری سوم نیز یاد می‌شود، شاهد انتشار

برگردان‌های قدیمی و جدیدی از رباعیات خیام هستیم. چه بصورت کتاب مستقل و چه در نشریات ادبی و فرهنگی. از

^۴ Podręcznik sanskrytu, 1932)

^۵ Polskiej Akademii Sztuk i Nauk

^۶ Polskie Towarzystwo Orientalistyczne

^۷ II Rzeczpospolita Polska (1918-1939)

^۸ Antoni Lange(1861-1920)

^۹ Konrad Libicki(1891-1980)

^{۱۰} Andrzej Gawroński(1885-1927)

^{۱۱} Tadeusz Jan Kowalski(1889-1948)

^{۱۲} Franciszek Machalski(1904-1979)

^{۱۳} Kazimierz Andrzej Jaworski(1897-1973)

^{۱۴} Przekłady poezji romańskiej(lublin, wydawnictwo lubelskie,1972)

^{۱۵} Edward Raczyński(1891-1988)

^{۱۶} Solidarność

^{۱۷} Lech Wałęsa(1934-)

این میان می‌توان به آندره ساروا ، تادئوش میچینسکی ^{۳۸}، سیلور میلچارک - که پیش‌تر از انتشار ترجمه مجموعه‌ای از رباعیات خیام با عنوان رباعیاتی درباره سرنوست ، در فصل‌نامه ادبی - هئری متافورا ، چندین رباعی از خیام را منتشر کرده بود ، مهدی غلامی و یانوش کژیژوفسکی اشاره کرد. در سال ۲۰۱۱ یانوش کژیژوفسکی ترجمه‌ای مستقل از رباعیات خیام با عنوان عمر خیام با تیراژ محدود منتشر کرد. این ترجمه شامل ۸۳ رباعی و یک ضمیمه شامل ده رباعی با مضمون کوزه و کوزه‌گری با عنوان کتاب گلدان‌های سفالی که از صفحه ۸۴ الی ۲۰۶۵ کتاب) است. ناگفته نباید گذاشت که ترجمه‌های رباعیات خیام توسط آندژی گارونیسکی، آندره ساروا و آنتونی لانگ در سال ۲۰۱۵ میلادی توسط انتشارات آرموریکا در ۹۴ صفحه باز نشر شده است.

در میان کتاب‌های غیر فارسی کتابخانه ملی ملک تعداد اندکی کتاب به زبان لهستانی نیز یافت می‌شود. یکی از این کتاب‌ها ترجمه‌ای از رباعیات خیام به وسیله کنراد لیپیتسکی است. این ترجمه منتشر شده در سال‌های پیش از جنگ دوم و در دوره موسوم به جمهوری دوم لهستان است. به عبارت دقیق‌تر این کتاب با تیراژ دو هزار و دویست نسخه در سال ۱۹۲۱ میلادی یعنی ۹۹ سال پیش است. توسط مؤسسه انتشاراتی ایگنیس منتشر شد. در تاریخ نشر کتاب در لهستان مؤسسه ایگنیس نامی شناخته شده است. مدیر این انتشارات لودویک فیشر بود. این سازمان صد سال پیش یعنی در سال ۱۹۲۰ ایجاد شد. این انتشارات بصورت شرکت سهامی خاص توسط جمعی از فعالان فرهنگی نزدیک به حزب سوسیالیست لهستان بنیان گرفت. در حقیقت به عنوان بخشی از حزب سوسیالیست لهستان تا سال ۱۹۲۸ میلادی به فعالیت ادامه داد. این انتشارات هر هفته یک عنوان کتاب منتشر می‌کرد. در سال حدود ۵۰ عنوان کتاب. در مجموعه انتشارات خود کتاب‌های تاریخی، دیوان اشعار، راهنماهای علمی و عملی و نیز کتاب‌هایی برای کودکان وجود دارند. آن چه در مورد شرکت سهامی انتشاراتی ایگنیس شاید جالب توجه باشد، نشان یا لوگو این انتشاراتی است. این

^{۳۸} Andrzej Sarwa(1953-)

^{۳۹} Tadeusz Miczynski(1888-1947)

^{۴۰} Sylwester Milczarek(1943-)

^{۴۱} Rubajaty o losie(Kraków, Miniatura, 2003)

^{۴۲} Metafora

^{۴۳} Metafora, Kwartalnik Literacko-Artystyczny, nr. 47-50, 200-2001, S99-101

^{۴۴} Janusz Krzyżowski(1939 -)

^{۴۵} Krzyżowski. Omar Khayyam. Warszawa: subramus. 2011.

^{۴۶} Księga glinianych garnków

^{۴۷} Andrzej Sarwa(1953-)

^{۴۸} Armoryka

^{۴۹} IGNiS

^{۵۰} Judwik Fiszer(1890-1962)

^{۵۱} Polska Partia Socjalistyczna- PPS

نشان از دو رشته برگ تزیینی، که دایره ای را شکل می‌دهند تشکیل شده که بالا به عنوان ایگنیس می‌رسند. در میان این دایره ساخته شده از برگ آشکارا نشان صلیب شکسته نمایان است. به یاد آوریم که هنور در سال های آغازین جمهوری وایمار در آلمان هستیم و هنوز دست کم تا پدیداری حزب سوسیالیست ملی در آلمان که بیشتر با عنوان حزب نازی می‌شناسیم، چند سالی مانده است. پرسش این است که این صلیب شکسته در این نشان انتشاراتی وابسته به حزب سوسیالیست چه معنایی دارد؟ آیا می‌توان برای استفاده از این نشان در تاریخ لهستان نیز ردی یافت؟

پس از انحلال شرکت فیشر برای دوره‌ای چهار ساله به برزیل رفت. باید این نکته را به یاد داشت که در سال های پایانی دهه بیست حکومت لهستان، لهستانیان و بخصوص یهودیان را به مهاجرت تشویق می‌کرد. برای این منظور چند کشور در نظر گرفته شده بود. یکی از آنان برزیل بود. در حقیقت هدف تأسیس یک مهاجرنشین لهستانی در آمریکای جنوبی بود. در مورد فیشر این نکته را باید افزود که در سال های پس از جنگ او به اتفاق دیگر نام آشنای صنعت نشر لهستان یعنی، هالینا پیففر^{۵۲}، نوه یک بازرگان مهاجر آلمانی بنام والتر پیففر^{۵۳} که در سده هجدهم، با^{۵۴} به عبارت دقیق‌تر سال ۱۷۵۰ به لهستان مهاجرت کرد، بازار کتاب و صنعت نشر لهستان را بازسازی کردند.

اما در مورد ترجمه کنراد لیبیتسکی باید گفت این برگردان شامل هشتاد رباعی است. هر رباعی در یک صفحه. ترجمه لهستانی لیبیتسکی بر اساس روایت فیتزجرالد از رباعیات خیام شکل گرفته است. از تعداد رباعیات موجود در ترجمه لیبیتسکی می‌توان حدس زد که او بر اساس چاپ‌های آخر فیتزجرالد، گزیده ای به زبان لهستانی ارائه کرده است. بررسی این ترجمه و ترجمه فیتزجرالد، می‌تواند موضوع جالبی برای نوشتاری دیگر باشد. ترجمه لیبیتسکی در تاریخ هشتم اسفند سال ۱۳۵۱ با شماره ۱۸۳ در دفتر کتابخانه ثبت و امروزه با رده بندی ۸۰۱.۲۲ k450 1921 قابل دسترسی است.

پیشتر گفتیم که آشنایی لهستانیان با دو قالب شعری رباعی و هایکو تقریباً هم‌زمان بوده است. در شعر معاصر لهستان، فرم هایکو حضوری قابل توجه دارد. امروزه هایکو دیگر فرمی جهانی است اما شاید بپنداریم که رباعی هنوز در حوزه فرهنگ ایران مانده است. اما شایان ذکر است که فرم و قالب رباعی نیز در شعر لهستانی نمود یافته. برای بیان این قالب شعری در زبان لهستانی از دو واژه استفاده می‌شود: Rubaiyat و Czterowiersze. شاید بهترین حضور

^{۵۲} Halina Pfeiffer(1911-?)

^{۵۳} Walter Pfeiffer(1712-1796)

^{۵۴} - برای هایکو لهستانی نک: الف) دولت‌شاهی. علیرضا، هایکوی لهستانی. شبکه آفتاب. ش ۲ (پیاپی ۹۰)، شهریور ۱۳۹۱، صص ۱۲۱-۱۲۰
ب) دولت‌شاهی، علیرضا، وقت هایکو، ترجمه چند هایکو از کژیشتوف کوکوت. تجربه (بهمن ۱۳۹۲) ص ۱۷۵

این قالب شعری در ادب لهستانی سروده های شاعر نامدار نیمه نخست سده بیستم لهستان ماریا پاولیکوفسکا -

یاسنوژفسکا باشد . ۵ ۶ ۵ ۵

^{۵۵} Maria Pawlikowska-Jasnorzewska(1891-1945)

^{۵۶} - برای اشعار ماریا پاولیکوفسکا - یاسنوژفسکا نک:
الف) دولتشاهی، علیرضا . نویسکا، ایونا. چهار شعر از ماریا پاولیکوفسکا - یاسنوژفسکا. روزان. ش ۲۲. امرداد ۱۳۷۶. ص ۱۲
ب) دولتشاهی، علیرضا . نویسکا، ایونا. و من آسمان و جهانم (چند شعر از ماریا پاولیکوفسکا - یاسنوژفسکا). ش.کا. س ۱. ش ۱ (خرداد ۱۳۸۱). ص ۳۸